ادامه از صفحه ۴

۲۰ واقعیت درباره مصرف و بهای بنزین و کالاهای اساسی

مسئله این است که چون دهک دهم (ثروتمندترین) هفت برابر اقشار دهک اول (فقیرترین) از یارانه پنهان برخوردار می‌شود، بنابراین عدالت وجود ندارد و در جهت تحقق آن باید قیمت کالاهای اساسی و بنزین ارائه به مردم یارانه داده شود. بررسی‌ها نشان می‌دهد که نسبت مصرف دهک دهم به دهک اول در اقلامی که از پرداخت یارانه برخوردار نیستند، بیش از سه برابر اقلامی است که یارانه دریافت می‌کنند. استفاده بیشتر عامه مردم از اقلام یارانه‌ای به این علت است که دهک‌های پایینی از کالاهای اساسی (مانند نان، روغن و تخمرغ) و خدمات عمومی (مانند خدمات درمانی و آموزشی دولتی یا حمل‌ونقل عمومی) به مراتب بیش از دهک‌های بالایی بهره‌مند می‌شوند. بر پایه گزارش «بررسی بودجه خانوار مناطق شهری بانک مرکزی ایران» سال ۱۳۹۶، نسبت هزینه خانوار دهک دهم به دهک اول برای اقلام خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها، مسکن، آب، برق و سوخت‌ها و ارتباطات بین هشت تا ۱۰ برابر و در همین حال برای اقلام پوشاک و کفش، لوازم و اثاثیه خانه، تفریح و امور فرهنگی و رستوران و هتل بین ۴۰ تا ۵۶ برابر است. مدافعان افزایش قیمت کالاهای اساسی و بنزین که در شرایط مصرف کل ۲ابرابری دهک دهم نسبت به دهک اول، با توجیه استفاده ۵.۱برابری کالاهای اساسی یا ۶.۷برابری یارانه پنهان دهک دهم نسبت به دهک اول، گویا فراموش کرده‌اند که با اجرای سیاست‌های نئولیبرال بازار آزاد مهارگسیخته و آزادی قیمت‌های املاک و سود بانکی، دهک دهم دهه‌ها و حتی صدها برابر بیش از دهک اول از سود بانکی یا درآمد اجاره برخوردار شده است. در شرایطی که عامه مردم برای بسیاری از اقلام ضروری خود (مانند خودرو و لوازم منزل) دچار نرخ تورم ۳۰۰درصدی یا بالاتر شده‌اند، قیمت پروازهای داخلی یا خارجی یا پرداخت یارانه از افزایش کمتری برخوردار می‌شود. در حالی از عدالت و برابری اجتماعی برای اخذ مالیات‌های تورمی جدید استفاده ابزاری می‌شود که برخلاف اقتصادهای آزاد از ثروتمندان و زندگی تجملی (مانند ممکن مازاد، ولاو و خودرو) مالیات اندکی دریافت می‌شود. ابزار اصلی برقراری عدالت در اقتصادهای توسعه‌یافته و آزاد اخذ مالیات از صاحبان ثروت و درآمدهای کلان است که برخلاف آن در ایران مالیات تورمی از طبقات فقیر و متوسط گرفته می‌شود.

۱۵. مبنای محاسبات پرداخت یارانه‌ها بر اساس دلار هشت هزار تومانی است. در شرایطی که در سال ۱۳۹۶ میانگین نرخ رسمی ارز سه‌هزار ۴۲۰ تومان بود، ملاک‌قرارداد نرخ ارز هشت هزار تومانی (با افزایش ۱۳۴درصدی در یک سال) برای سال ۱۳۹۷ مبنای علمی یا منطقی برای محاسبه یارانه‌های پرداختی به مردم ندارد. در شرایطی که کل درآمد قابل مصرف خانوارها حداکثر ۴۰ درصد رشد کرده است. جالب توجه این است که قیمت ارز به صورت دستوری بالا برده می‌شود و همین قیمت دستوری ملاک قرار می‌گیرد، آن هم در شرایطی که دستمزدها و درآمد خانوارها متناسب با افزایش قیمت‌ها بالا نرفته است. چنانکه ذکر شد یارانه‌های به اصطلاح پنهان باید از بخش‌های اقتصادی اخذ شود که قیمت‌های فروش به ارز نیما یا ارز آزاد دارند.

۱۶. موضوع افزایش بهای بنزین، بیش از آنکه بر اساس هدف و برنامه‌ای اقتصادی باشد، در راستای تأمین نیازهای مالی دولت است. هم‌اکنون درآمدهای ارزی (و ریالی) خارجی از صادرات نفت و گاز کافی یافته است و بخش‌های مولد روستایی (و ارزی) اقتصاد شامل معادن و صنایع معدنی و پتروشیمی بالادستی و به‌طور کلی صنایع، متکی به رانت منابع (معادن، گاز و انرژی) هستند. منابع درآمدی دولت از این بخش‌ها به دلیل (الف) افزایش رانت‌های اعطایی، (ب) معافیت‌های مالیاتی گسترده و (ج) خصوصی‌سازی (خصوصی‌سازی)، بیش آمده است. بیش از ۶۰۰ هزار میلیارد تومان انواع رانت (شامل رانت‌های منابع و افزایش نرخ ارز) که بیش از بودجه عمومی دولت است. سالانه در بخش‌های معدنی و صنعتی رانتی توزیع می‌شود. لایه‌های این صنایع در دولت و مجلس، از یک سو در راستای استمرار بهره‌گیری از اقتصاد از سوی این بخش‌ها و از سوی دیگر برای تأمین منابع مالی دولت، دو اقدام را در دستور کار خود قرار داده‌اند: الف) حذف ارز ترجیحی (گران‌سازی) کالاهای اساسی و ب) افزایش بهای بنزین.

۱۷. در دو دهه اخیر، بیش خود اصلی کسب درآمدهای کلان و توزیع رانت در کشور سالم‌الذ) واحدهای صنعتی-معدنی متکی به رانت منابع، بن‌ سوداگری و ستهه‌تاری درزمین و ساختمان، ج) بازرگانی وارداتی، دلالی و ستهه‌تاری، د) فعالیت‌های مالی و سود سپرده‌های بانکی و ۴) سوداگری و ستهه‌تاری ارزی و رانت افزایش نرخ ارز هستند. با قاطعیت می‌توان گفت این نوع حوزه اصلی رانتی اقتصاد ایران، در اغلب موارد مالیات برداخت نمی‌کنند. کمترین مالیات را به نسبت درآمد برداخنداند یا حتی در موارد متعددی دولت خسارت آنها را جبران کرده و یارانه مالیاتی داده است. در نتیجه، دولت‌ها که در کمبود منابع مالی شده‌اند، با اعمال شوک‌های ارزی و به تبع آن نطق نرخ‌های تورم بالا، با اخذ مالیات تورمی (مالیات نامرئی) از فعالیت مردم اقدام به کسب درآمد و همچنین خلق منافع بالا برای وابستگان کرده‌اند. بنابراین هرگونه اقدامی که در راستای افزایش قیمت‌ها صورت می‌گیرد، در اصل به زیان عامه مردم و به سود اقشار ثروتمند است.

۱۸. همان‌طور که در سه دهه اخیر تجربه شده است، افزایش قیمت اقلام کلیدی مانند نرخ ارز، حامل‌های انرژی و کالاهای اساسی، افزایش نرخ تورم را به دنبال دارد و اقتصاد را وارد مارپیچ تورمی می‌کند. اشتباه مدعیان افزایش قیمت‌ها (یا پرداخت یارانه) این است که روابط اقتصادی را خطی ساده و سطحی و در حد معادله ریاضی یک به یک می‌پندارند. هیچگاه یک واحد افزایش قیمت کالاهای اساسی، منجر به یک واحد افزایش قیمت‌های عمومی نخواهد شد و بیش از دو برابر قیمت‌ها را افزایش خواهد داد. بنابراین با فرض بازگشت کل یارانه به مردم، بالافرض قیمت‌ها موجب خواهد شد عامه مردم فقیرتر شوند و بیش از آنچه از دست بدهند، به دست بیاورند.

۱۹. عامه مردم و به‌ویژه طبقه متوسط، بی‌تردید بزرگ‌ترین قربانی اصلاح افزایش قیمت‌ها هستند. افزایش نرخ ارز یا بهای کالاها و خدماتی که از سوی دولت عرضه می‌شود، مالیات تورمی است که اقشار ضعیف و طبقه متوسط را دهک می‌کند. درحال‌حاضر وضع درآمد و معیشت عامه مردم چنان تضعیف شده است که تا تحمل شوک‌های قیمتی جدید را ندارند.

۲۰. برداخت یارانه‌ها انگیزه فعالیت اقتصادی اقشار فقیر را به‌شدت کاهش می‌دهد و آنها را اعتادیه‌کر می‌کند. شوک ارزی و امواج تورمی موجب شده بخش درخور توجهی از طبقه متوسط به فقیران بپیوندند. یارانه‌ها بیشتر به طبقات محروم پرداخت می‌شود و نتیجه آن نابودی طبقه متوسط است که تبعات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بسیار نامطلوبی دارد و به دوقطبی‌سازی جامعه ایران خواهد انجامید.

رئیس مرکز آمار ایران در گفت‌وگو با «شرق» تشریح کرد:

تسویه‌حساب سیاسی با آمار

عکس: هرمینه عوضعلی اردبیل

محمد مساعد: تسویه‌حساب‌های سیاسی با آمارهای رسمی، باعث بی‌اعتمادی جامعه می‌شود. این را امیدعلی پارسا، رئیس مرکز آمار ایران در فرکت‌وگو با «شرق» می‌گوید و اضافه می‌کند: هیچ مقام بالادستی‌ای تاکنون از او عدسازی نخواسته و اگر چنین درخواستی شود نیز انجام آن غیرممکن است. پارسا که سال گذشته را به جدال رسانه‌ای با بانک مرکزی بر سر مرجعیت اعلام آمارهای اقتصادی گذراند و در نهایت موفق شد مرکز آمار ایران را به عنوان تنها مرجع اعلام آمارهای اقتصادی در کشور تثبیت کند. حالا در فکر اجرای نظام آماری «تبئی‌مبنا» است که به گفته او، برای کشور از نان شب واجب‌تر است و تا سال ۱۴۰۵ به نتیجه خواهد رسید. پارسا در این گفت‌وگو خبر داد که سرشماری سال ۱۴۰۰ کشور احتمالاً انجام نخواهد شد و برنامه مرکز آمار ایران این است که در سال‌های آینده دسته‌های مختلف کشور را برای ایجاد بانک‌های اطلاعاتی متصل و منظم هماهنگ و منسجم کند؛ کاری که اصلا آسان به نظر نمی‌رسد.

■ مرکز آمار در طول ماه‌های گذشته یک جدال نه‌چندان پنهان با بانک مرکزی بر سر اعلام آمارهای اقتصادی داشت. چرا مرکز آمار علاقه‌مند شد آمارهای اقتصادی مانند تورم و رشد اقتصادی را که پیش از این توسط بانک مرکزی محاسبه و اعلام می‌شد، اعلام کند؟

این داستانی طولانی دارد. باید بدانیم روندها و گرایش‌های مسلط خاصی بر نظام‌های آماری در جهان حاکم است که تصادفی نیستند. نظام‌های آماری قبل از جنگ جهانی دوم به‌گونه‌ای بودند، در فاصله جنگ جهانی دوم تا سال ۲۰۰۰ به شکل دیگری درآمدند و پس از آن نیز کاملا دگرگون شدند. بنابراین تغییرات در وظایف و ساختارهای نظام آماری در جهان و همچنین مشکلات موجود در کشور، شورای‌عالی آمار را به‌عنوان عالی‌ترین مرجع تصمیم‌گیری تخصصی درباره مباحث آماری کشور بر آن داشت تا نسبت به حذف موازی‌کاری در تولید آمار اقدام کند. به عبارت بهتر برنامه ملی توسعه آمار کشور در دو سطح راهبردی و عملیاتی تنظیم شد. در سطح راهبردی ایـن برنامه که در سـال ۹۶ به تصویب شـورای‌عالی آمار کشور رسید، یکی از جهت‌گیری‌هایی که برای نظام آماری کشـور تعیین شد حذف موازی‌کاری در تولید آمارهای کشـور بود. این موضوع در برنامه عملیاتی کمیسـیون تخصصی شـورای‌عالی آمار قرار گرفت و بحث‌هایی درباره آن انجام شـد. می‌خواهیم بگوییم تولید آمـار تولید یک نهاده عمومی اسـت و به‌هیچ‌وجه شـبیه تولید یک کالا یا نهاده خصوصی نیست. تولید نهاده خصوصی اسـاس تدارک و ارائه‌اش رقابت اسـت. ولی در تولید کالا و نهاده عمومی این‌گونه نیسـت و برای مثال نمی‌توانیم بگوییـم برای آنکه کیفیت قضاوت در کشـور را بـالا ببریم رقابت ایجاد کنیم و چند قوه قضائیه داشـته باشـیم یا چند بانک مرکزی ایجاد کنیم تا کیفیت خدماتش بالا برود. تا سـال‌های قبل از جنگ جهانـی دوم، عمومـا آمارهای تورم و رشـد اقتصادی را بانک‌های مرکزی کشـورها اعلام می‌کردند. اما پس از جنگ جهانی، گرایش مسلطی در جهان شـکل گرفت که کشورها با ایجاد سازمان ملی آمار، این وظیفه، یعنی تولید آمارهای اقتصادی را به سازمان جدید منتقل کننـد. این نهاد اصلا برای مرجعیت نظـام آماری و انجام وظیفه حاکمیتی تولید آمارهای باکیفیت ایجاد می‌شـود. بنابراین مرجعیت و راهبری آمارهای رسـمی کشـورها به این سازمان‌ها می‌رسد. البته این موضوع به معنای باکیفیت تتایج ما نیست و تا سال ۱۴۰۵ به نتیجه خواهد رسید. پارسـا در این گفت‌وگو خبر داد که سرشماری سال ۱۴۰۰ کشور احتمالا انجام نخواهد شد و برنامه مرکز آمار ایران این اسـت که در سال‌های آینده دسته‌های مختلف کشور را برای ایجاد بانک‌های اطلاعاتی متصل و منظم هماهنگ و منسجم کند؛ کاری که اصلا آسان به نظر نمی‌رسد.

■ مرکز آمار در طول ماه‌های گذشته یک جدال نه‌چندان پنهان با بانک مرکزی بر سـر اعلام آمارهای اقتصادی داشـت. چرا مرکز آمار علاقه‌مند شـد آمارهای اقتصادی مانند تورم و رشد اقتصادی را که پیش از این توسط بانک مرکزی محاسبه و اعلام می‌شد، اعلام کند؟

کدام‌یک از دو نهاد در دنیا ماهانه است. استاندارد تولید نرخ تـورم در دنیا این اسـت که در پایان هر ماه این نرخ اعلام شـود و مرکز آمار نیز بلافاصله در پایان هر ماه این کار را انجام داده است.

■ قیمت اقلام چطور؟

قیمت کلیه اقلام روی سـایت مرکز آمار به تفکیک اسـتان‌ها و متوسط همه کالاها و خدمات که در سـبد هسـت از قدیم‌الایام منتشر شده و می‌شود.

■ در چه بازه زمانی؟

هر ماه.

■ پس مثل بانک مرکزی هفتگی منتشر نمی‌کنید؟

بانک مرکزی حتما آمارهای خودش را می‌گیرد.

■ اما اعلام نمی‌کند.

اینکه اعلام می‌کند یا نمی‌کند من مسئولش نیستم.

■ طبعا وقتی اعـلام نمی‌کند، نمی‌تواند مورد اسـتفاده قرار بگیرد، مثل همین مورد کمیته تعیین دسـتمزد که توضیح دادم. شما با یک ذهنیت مشخص و بسته آمده‌ای.

■ اصلا، من آمده‌ام که جواب سؤالاتم را بگیرم.

نه اصـلا وقت و حال و حوصله کوش‌دادن و متوجه‌شـدن را نداری.

■ اتفاقا کاملا حوصله‌اش را دارم و منتظر جواب هستم.

نه کاملا مشـخص اسـت. اصلا یک‌طرفه آمده‌ای به قاضی. از اول ایـن همه توضیح دادم که چرا باید این بحـث رفته. اصلا چرا مسـئولیت انتشـار آمارهای اقتصادی را از بانک‌های مرکزی گرفته‌اند؟ نمی‌شـود کسـی که خودش مسـئول سیاسـت‌گذاری و رشد اقتصادی اسـت، خودش محاسـبه‌گر نتیجه آن باشد؛ چون اگر بهترین و سالم‌ترین محاسبات را هم داشته باشد.

■ درباره آن قسـمت که اختلافی نداریم. سـؤال من این بود که شـما چرا انتشـار همان آمارها را به عنوان مرکز آمار ادامه نمی‌دهید.

یکی یکی جلو بویم. ۱۰ دلیل وجود دارد که این موازی‌کاری به جز تنضیف سـرمایه اجتماعی و افزایش بی‌اعتمادی به مسئولان اثر دیگری ندارد.

■ این را که رد پذیرفتم.

این ۱۰ دلیل را اگر علاقه‌مند بودید، در سـایت مرکز آمار، همان صفحه اول، منتشر شده است. بلاخره این اقدام درست بود اتجام می‌شد.

نباید در کشوری که هزاروبک بودجه برای هزاروبک گاو واجب دیگرش ندارد، هزاروبک موازی‌کاری برای تولید آمار اتجام شود که تفاوت معناداری هم با یکدیگر ندارند اما همین تفاوت کوچک وجپ و چماق به دست کسانی می‌دهد که می‌خواهند علیه سرمایه اجتماعی نظم بنازند. انکار یا بل‌وخ جیع بینیم و ابزارهای غیرمنصفانه را فراهم کنیم

■ بالاخره بانک مرکزی که بی‌دلیل آمار هفتگی منتشر نمی‌کرد.

نه، آمار هفتگی هم ممکن اسـت مفید باشد و مثلا خوب‌اش تحلیل هفتگی اسـت اما آنچه استاندارد است انتشار ماهانه تورم و انتشار فصلی اسـت که استاندارد بی‌نگری است.

■ پس جواب مشخص شما این اسـت که الزاما ادامه‌دهنده راه بانک مرکزی نیسـتید و انتشـار آمارهایی را که از نظر شما غیراستاندارد هسـتند ادامه نمی‌دهید.

بانـک مرکزی به زعم خـودش آمار اسـتاندارد تولید می‌کرد. ما هم به زعم خودمان آمار اسـتاندارد تولید می‌کنیم ولی شـما می‌دانید که در تورم، سـبد کالایی که ما داریم، با سبد کالای بانک مرکزی متفاوت اسـت. با مثال تمرکز بانک مرکزی روی شـهرهای بزرگ اسـت و تمرکز ما روی کل کشـور. شامل شـهرهای بزرگ، کوچـک و روستاهاسـت. وزن کالا و خدماتی که در سـبدهایمان وجـود دارد متفاوت اسـت. جغرافی که قیمـت می‌گیریم با بانک متفاوت اسـت. ولی جالب اسـت که نتایج ما بسـیار نزدیک به هم است. ما تصور می‌کنیم تعریف ما جامع‌تر و کامل‌تر اسـت و همه نیازها را به تفکیک شـهری و روستایی و کلیه اقلام پوشش می‌دهد و نیازی به آمار مرجع دیگری وجود ندارد.

■ شـما پیش از این تیزبه جنت جامعیت آمارهای مرکز آمار و اینکه به این نکته اشـاره کردید که آمارهای شما اطلاعات حاصل از روسـتاها را نیز پوشش می‌دهد. اگر ممکن اسـت کمی درباره جامعه آماری‌تان بیشتر توضیح دهید.

در خیلی از کشـورهای دنیا، به‌خصوص کشـورهای پیشرفته از جمله کشـورهای اروپایی فقـط آمار مناطق شـهری را برای محاسـبه تورم ملاک قرار می‌دهند. اینها کشـورهایی هسـتند که جمعیت روستایی‌شان زیر نیم درصد است. وقتی شما در کشوری زندگی می‌کنید که ۲۶ درصد جمعیتش روستایی هستند و مصرفشان و سـاختار کلا و خدماتی که مصرف می‌کنند با مناطق شـهری متفاوت اسـت، با حل دارید تورم مناطق شـهری را به مناطق روسـتایی و کل کشـور تعمیم دهید؟ اگـر آمار دقیق‌تری بخواهید آمار اسـت مناطق روستایی را نیز در نظر بگیرید. بنابراین ما میانگین موزون مناطق روستایی را می‌گیریم و با میانگین موزون مناطق شـهری براسـاس وزن خودشـان تلفیق می‌کنیم و برآورد همه کشـورها تعیین و به‌عنوان راهنما و توصیه به کشورها ارسال می‌شـوند؛ ملاد فرض کنید می‌توان سـاعت‌ها بحسب کرد که چرا تفاوت تعریف شاغل و بی‌کار تنها یک ساعت اشتغال بیشتر یا کمتر است و چرا چنین تعریفی درست است. من همین مثال را مفصلا در یـک مقاله با همکاری چهار نفـر از همکارانم توضیح داده و به همه دانشگاه‌های کشور ارسال کرده‌ام. ما سال گذشته کالبدشکافی آمارهای اشـتغال و بی‌کاری برگزار کردیم و هر سـوالی درباره این موضوعات وجود داشـت پاسـخ دادیم و در مثالی دیگر این سؤال وجـود دارد که چرا آمار نـرخ تورم با ادراک جامعه از آن سـازگار نیسـت. من و چند همکارم به این سؤال نیز پاسخ مفصل داده‌ایم و این پاسخ در سایت مرکز آمار منتشر شده است؛ مثلا اگر بپرسید نرخ تورم درحال‌حاضر چقدر اسـت، ممکن اسـت در پاسخ برای مثال گفته شود ۲۰ درصد، بعد اگر بپرسید شود تورم این ماه نسبت به ماه مشابه در سال گذشته چقدر است، پاسخش ۴۰ درصد باشد. باز اگر به جداول آماری مراجعه کنید می‌بینید که ممکن اسـت تورم یک کالای خاص ۲۵۰ درصد باشـد. هیچ‌کدام از این ارقام غلط نیستند، بلکه تصور عموم نسـبت به این مفاهیم نادرست باشد؛ برای مثال وقتی گفته می‌شـود تورم سـالانه ۲۳ درصد اسـت. اگر کسی تصور کند این عدد به این معناسـت که اگر امروز به بازار بروید اجناس ۲۳ درصد گران‌تر از سـال گذشـته هسـتند خب تصورش اشتباه است. درواقـع می‌خواهم بگویم ما در آموزش سـواد آمـاری به عموم جامعه آن‌گونه که شایسته اسـت عمل نکرده و نتوانسـته‌ایم معنای هرکدام از ایـن مفاهیم را به جامعه آموزش دهیم. این ناآگاهی در سواد دیگری نیـز وجود دارد؛ برای مثال یـک تصور غلط عمومی این اسـت که در دولت نهم تعریف شـاغل از فـردی که دو روز در هفته کار کرده باشـد به کسی تغییر کرد که یک ساعت در هفته کار کرده باشد و این تغییر اتفاق افتاد چون دولت می‌خواسـت آمارهای اشـتغال و بـی‌کاری‌اش را بهبود ببخشـد. درحالی‌که به‌هیچ‌وجه این‌چنین نبود؛ یعنی در دولت هشـتم، با فاصله ۲۰ سال نسبت به دیتا بلاخره تعاریف بین‌المللی اشـتغال مورد بررسـی قرار گرفت و نهایی شـد و در سـال اول دولت نهم اعمال شـد و دولت اصلا در جریـان این تعاریف و تغییراتش قرار نداشـت. اما همان‌طور که می‌دانید، معمولا در این موارد تسـویه‌حسـاب‌های سیاسی صورت می‌گیـرد و نتیجـه آن بی‌اعتمادکردن عموم جامعـه به آمارهای رسـمی اسـت؛ مثلا ممکن اسـت شـما بگویید آمارهای اشتغال و بی‌کاری با ادراک عمومی سـازگار نیسـت. اگر می‌گویید نرخ بی‌کاری ۱۲ درصد اسـت پس این‌همه بی‌کار چه می‌شود؟ پاسخ این است که خب آمار بی‌کاری در جوانان ۲۷ درصد اسـت. آمار بی‌کاری در جوانان تحصیل‌کرده در مناطق شـهری از آن هم بالاتر اسـت. آمار بـی‌کاری در میان بانوان تحصیل‌کرده در مناطق شـهری از این هم بالاتر اسـت. کم‌کم می‌بینیـد که اعداد به ادراک شـما که حاصل مشاهده اطرافتان اسـت نزدیک می‌شوند.

■ خوب شـد به این نقطه رسـیدیم. درباره این آمار اشتغال یک ابهام وجود دارد. زنان خانه‌دار را شـاغل محسـوب می‌کنید یا بی‌کار؟

اجازه بدهید قدم‌به‌قدم جلو برویم. جمعیت ما چقدر اسـت؟ ۸۰ میلیـون نفر. چند نفر از این افراد بالای ۱۰ سـال سـن دارند؟ حـدود ۶۷ میلیون نفر. از این ۶۷ میلیون نفر چند نفر جویای کار و به‌اصطلاح فعال هسـتند و چند نفر جویای کار نیسـتند و به‌اصطلاح غیرفعال هسـتند؟ نرخ فعالیت در کشور ما حدود ۴۰ درصد اسـت. خانم‌های خانـه‌دار و دانش‌آموزان نیز به این دلیل که جویای کار نیسـتند جمعیت فعـال محسـوب می‌شـوند و جزء جمعیت بی‌کار و شاغل نیستند.

■ یـک ابهام دیگـر نیز درباره تـورم مطرح اسـت. برخی از کارشناسـان می‌گویند مرکز آمار در محاسبات خود قیمت تنظیم بازار نرخی افراد مانند کوشت قرمز را مبنا قرار می‌دهد و قیمت بازار آزاد این اقلام را در نظـر نمی‌گیرد. این درست اسـت؟

این بی‌ربط‌ترین حرفی اسـت که می‌شود در حوزه قیمت زد. قیمت کالاها این‌طور محاسبه می‌شـود که کالای خیلی خاصی با مشـخصات ثابت خاصـی در زمان‌هـای مختلف قیمت‌گیری می‌شـود؛ یعنـی اگر می‌گویـم قیمت یک گوجه‌فرنگـی این‌قـدر تغییر کـرده، یعنی ما یک رب گوجه‌فرنگـی ۲۵۰ گرمی با یک مارک مشـخص را در طول سـالیان مختلف قیمت گردیدایم. نه‌اینکه هربار که به بازار رفته‌ایم یک مـدل رب گوجه‌فرنگی را قیمت زده باشـیم. بنابراین این‌گونـه ابهامات اصلا نداریم.

■ سـوال آخر اینکه فکر نمی‌کنید مرکز آمار در ارائه اطلاعات خسیس عمل می‌کند؟

رویکـرد در سـال‌های اخیر این بوده که چنین نباشـد؛ برای مثال در طـرح جدید ارزیابی درآمد ما همان بودجه خانوار مرجع اسـت به ۴۰ هزار خانوار در سراسـر کشـور که ما فقط نام و مشـخصات این خانواده‌هـا را حـذف کرده و بقیه داده‌ها را روی سـایت مرکز آمار منتشر کرده‌ایم. ما معتقدیم باید ریزداده‌های کشور به شکلی که هویت افراد قابل شناسـایی نباشد در اختیار عموم قرار بگیرد. بنابراین اطمینـان می‌دهم که با مراجعه به سـایت مرکز آمار می‌توانید مشاهده کنید که ما در این زمینه کاملا برعکس این مدعا عمل کرده‌ایم.

■ بالاخره بانک مرکزی که بی‌دلیل آمار هفتگی منتشر نمی‌کرد. نه، آمار هفتگی هم ممکن اسـت مفید باشد و مثلا خوب‌اش تحلیل هفتگی اسـت اما آنچه استاندارد است انتشار ماهانه تورم و انتشار فصلی اسـت که استاندارد بی‌نگری است.

■ پس جواب مشخص شما این اسـت که الزاما ادامه‌دهنده راه بانک مرکزی نیسـتید و انتشـار آمارهایی را که از نظر شما غیراستاندارد هسـتند ادامه نمی‌دهید.

بانـک مرکزی به زعم خـودش آمار اسـتاندارد تولید می‌کرد. ما هم به زعم خودمان آمار اسـتاندارد تولید می‌کنیم ولی شـما می‌دانید که در تورم، سـبد کالایی که ما داریم، با سبد کالای بانک مرکزی متفاوت اسـت. با مثال تمرکز بانک مرکزی روی شـهرهای بزرگ اسـت و تمرکز ما روی کل کشـور. شامل شـهرهای بزرگ، کوچـک و روستاهاسـت. وزن کالا و خدماتی که در سـبدهایمان وجـود دارد متفاوت اسـت. جغرافی که قیمـت می‌گیریم با بانک متفاوت اسـت. ولی جالب اسـت که نتایج ما بسـیار نزدیک به هم است. ما تصور می‌کنیم تعریف ما جامع‌تر و کامل‌تر اسـت و همه نیازها را به تفکیک شـهری و روستایی و کلیه اقلام پوشش می‌دهد و نیازی به آمار مرجع دیگری وجود ندارد.

■ شـما پیش از این تیزبه جنت جامعیت آمارهای مرکز آمار و اینکه به این نکته اشـاره کردید که آمارهای شما اطلاعات حاصل از روسـتاها را نیز پوشش می‌دهد. اگر ممکن اسـت کمی درباره جامعه آماری‌تان بیشتر توضیح دهید.

در خیلی از کشـورهای دنیا، به‌خصوص کشـورهای پیشرفته از جملـه کشـورهای اروپایی فقـط آمار مناطق شـهری را برای محاسـبه تورم ملاک قرار می‌دهند. اینها کشـورهایی هسـتند که جمعیت روستایی‌شان زیر نیم درصد است. وقتی شما در کشوری زندگی می‌کنید که ۲۶ درصد جمعیتش روستایی هستند و مصرفشان و سـاختار کلا و خدماتی که مصرف می‌کنند با مناطق شـهری متفاوت اسـت، با حل دارید تورم مناطق شـهری را به مناطق روسـتایی و کل کشـور تعمیم دهید؟ اگـر آمار دقیق‌تری بخواهید آمار اسـت مناطق روستایی را نیز در نظر بگیرید. بنابراین ما میانگین موزون مناطق روستایی را می‌گیریم و با میانگین موزون مناطق شـهری براسـاس وزن خودشـان تلفیق می‌کنیم و برآورد عوض کرده باشـید اما آدرس و کد پسـتی محل زندگی جدیدتان را به ثبت احوال اطلاع نداده باشـید. اگر شـما طبق آنچه قانون موظفتـان کرده تغییر آدرسـتان را گزارش کنیـد و ثبت احوال را از محـل زندگی‌تـان در کمیسـیون تخصصی شـورای‌عالی آمار خبرگان تخصصی آمار کشور عضویت دارند. در اینجا رای‌گیری انجام شده است. سؤال شده آیا کشور موازی‌کاری آماری می‌شوادد یا نه؟ به اتفاق رای داده‌اند که نمی‌خواهد. پرسیده شده که مرجع رسمی اعلام نرخ تورم و رشـد اقتصادی بانک مرکزی است یا مرکز آمار؟ چهار عضو به بانک مرکزی و ۱۲ عضو به مرکز آمار رای داده‌اند. این جلسه چهار ساعت طول کشید.

■ بخش دوم سؤالاتم را با این سـؤال آغاز می‌کنم که به نظر می‌رسد در چند سال گذشته تلاش‌هایی برای انفورماتیک‌کردن تهیه و تولید آمار در مرکز آمار انجام شده است. توضیح دهید چه اقداماتی انجام داده‌اید.

اگر به خاطر داشـته باشید مرکز آمار در سال ۱۳۹۵ سرشماری کشـور را به صورت اینترنتی انجام داد. امروزه در کشورهای پیشرو نظام آماری «تبئی‌مبنا» در دسـتور کار قـرار دارد. در نظام آماری تبئی‌مبنا اصلا به در منزل مردم مراجعه نمی‌شود. نه تنها کاغذی، بلکه اینترنتی هم مراجعه نمی‌شـود. تا وقتی که شما به در منزل مردم مراجعـه می‌کنید و اطلاعات خوانطهای مردم را چه روی کاغذ و چه روی تبلت ثبت می‌کنید، نظام آماری‌تان «تبئی‌سـنتی» اسـت. این نظام آماری تبئی‌مبنا شاهد چنین اتفاقاتی نخواهیم بود و دسـتگاه‌ها می‌دانند که چه کار می‌کنند. یکـی از پایه‌های حکمرانی شایسـته همین نظام آماری تبئی‌مبنا اسـت. برای مثال اگر شـما قرار اسـت از سیسـتم بانکی کشـور وام بگیرید، سیستم بانکی اطلاع کاملی از سـابقه و وضعیت شـما خواهد داشـت و کسـی نمی‌تواند با چند کاغذ و شـرکت صـوری میلیاردها تومان تسـهیلات دریافت کند. همچنین محرمانگـی این آمار و اطلاعات نزد مرکز آمار بسـیار بیشتر خواهد شد؛ زیرا اصلا دیگر مرکز آمار با افراد سروکار نخواهد داشت؛ بلکه با داده‌های ارائه‌شده دسـتگاه‌ها سـروکار خواهد داشـت که به محض ورود این اطلاعات به مرکز آمار به‌اصطلاح «ریکود» می‌شـوند و پرسنل مرکز آمار اصلا قادر به شناسـایی هویت افرادی که اطلاعات‌شـان را تحلیل می‌کنند، نخواهند بود. به‌این‌ترتیب مرکـز آمار دید ماکرو به داده‌ها خواهد داشـت و می‌تواند آمارهایی با سـطوح مختلف تولید کند؛ بدون آنکه درباره هویت فردفرد اشخاص اطلاعی داشته باشد، بنابراین اگر از من بپرسید برای جلوگیری از بی‌قانونی و فـاد چه اقداماتی لازم اسـت، می‌گویم یکی از مهم‌ترین اقدامات مـورد نیاز همین اجرای نظام آماری تبئی‌مبنا اسـت و اگر لازم است از نان شب‌مان برای اجرای آن بزنیم، اشتباه نکرده‌ایم.

■ شما یک بار دیگر از کنفرانس‌های خبری کشنید «قسم جلاله می‌خورم از مـن آمارسـازی نخواسـته‌اند». این اظهارنظر شما نشان می‌دهد که دولت‌ها در همچنین بی‌اعتمادی به آمارهای رسـمی وجود دارد. چه دفاعی از آمارهای تولیدنان دارید؟

اگر کسـی با نظام تولید آمار، به‌ویژه مرکز آمار کشورآشنا باشد، می‌داند که اصلا امکان ندارد که کسـی بالاتـر از مرکز آمار بتواند آمار سفارشی بخواهد و چنین چیزی تهیه شود. ممکن اسـت افراد سـابـ‌ردهای چنین اعداد و ارقامی را دل‌شان بخواهد؛ اما من قسم خوردم و باز هم قسم می‌خورم که هیچ مقـام بالاتـری تاکنون از من عدسـازی نخواسـته اسـت و می‌دانند که اگر هم بخواهند، چنین چیزی ممکن نیسـت.

■ سـوال آخر اینکه فکر نمی‌کنید مرکز آمار در ارائه اطلاعات خسیس عمل می‌کند؟

ویکـرد در سـال‌های اخیر این بوده که چنین نباشـد؛ برای مثال در طـرح جدید درآمد ما همان بودجه خانوار مرجع اسـت به ۴۰ هزار خانوار در سراسـر کشـور که ما فقط نام و مشـخصات این خانواده‌هـا را حـذف کرده و بقیه داده‌ها را روی سـایت مرکز آمار منتشر کرده‌ایم. ما معتقدیم باید ریزداده‌های کشور به شکلی که هویت افراد قابل شناسـایی نباشد در اختیار عموم قرار بگیرد. بنابراین اطمینـان می‌دهم که با مراجعه به سـایت مرکز آمار می‌توانید مشاهده کنید که ما در این زمینه کاملا برعکس این مدعا عمل کرده‌ایم.

■ شـاید شـورای‌عالی آمار باید قبلا مشـخص می‌کرد منظور از آمارهای تخصصی چیسـت و چه دسـتگاه‌هایی باید آن را تولید کنند. این موضوعی اسـت که شـورای‌عالی آمار باید انجام می‌کند. فقط نکته کوچک در کمیسـیون تخصصی شـورای‌عالی آمار خبرگان تخصصی آمار کشور عضویت دارند. در اینجا رای‌گیری انجام شده است. سؤال شده آیا کشور موازی‌کاری آماری می‌شوادد یا نه؟ به اتفاق رای داده‌اند که نمی‌خواهد. پرسیده شده که مرجع رسمی اعلام نرخ تورم و رشـد اقتصادی بانک مرکزی است یا مرکز آمار؟ چهار عضو به بانک مرکزی و ۱۲ عضو به مرکز آمار رای داده‌اند. این جلسه چهار ساعت طول کشید.

■ بخش دوم سؤالاتم را با این سـؤال آغاز می‌کنم که به نظر می‌رسد در چند سال گذشته تلاش‌هایی برای انفورماتیک‌کردن تهیه و تولید آمار در مرکز آمار انجام شده است. توضیح دهید چه اقداماتی انجام داده‌اید.

اگر به خاطر داشـته باشید مرکز آمار در سال ۱۳۹۵ سرشماری کشـور را به صورت اینترنتی انجام داد. امروزه در کشورهای پیشرو نظام آماری «تبئی‌مبنا» در دسـتور کار قـرار دارد. در نظام آماری تبئی‌مبنا اصلا به در منزل مردم مراجعه نمی‌شود. نه تنها کاغذی، بلکه اینترنتی هم مراجعه نمی‌شـود. تا وقتی که شما به در منزل مردم مراجعـه می‌کنید و اطلاعات خوانطهای مردم را چه روی کاغذ و چه روی تبلت ثبت می‌کنید، نظام آماری‌تان